معرفت ادیان ـــــــــــــــــــــ سال پانزدهم، شماره دوم، پیاپی ۵۸، بهار ۱۴۰۳، ص ۷-۲۰
https://creativecommons.org/licenses /by-nc /4.0
doi 10.22034/marefateadyan.2024.2022004

نوع مقاله: پژوهشی

شخصیت حضرت مریمﷺ از منظر قرآن کریم و عهد جدید

امیر خواص / دانشیار گروه کلام و فلسفهٔ دین مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینیﷺ
orcid.org/0009-0003-6748-2155 amirkhavas@yahoo.com
دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

چکیده

حضرت مریمﷺ به‌سبب جایگاه مادری حضرت عیسیﷺ از جایگاه ویژه و ممتازی در اسلام و مسیحیت برخوردار است، اما با بررسی آیات قرآن کریم روشن می‌شود که این بانوی گرامی از منظر قرآن کریم، جدا از ویژگی مادر بودن برای حضرت عیسیﷺ، خود دارای صفات برجستهٔ انسانی و طهارت ویژه بوده است، اما در عهد جدید شخص ایشان مقام چندان بلندی ندارد و گاهی در حد و اندازهٔ شأن یک انسان معمولی نیز با وی مواجهه صورت نگرفته است. پس از چند قرن، به‌مرور در سنت کلیسایی توجه ویژه‌ای به او معطوف شده است و تا حد پرستش او پیش رفته‌اند؛ گویا در جهان مسیحیت پس از یک مواجههٔ تفریط‌گونه با این شخصیت مُطَهَّره در سدهٔ اول، به‌سوی یک تلقی افراطی از شخصیت و جایگاه او تا رساندن وی به مقام شایستهٔ پرستش در سده‌های بعدی گام برداشته‌اند. در این پژوهش برآنیم که به‌صورت مقایسه‌ای، با روش تحلیل محتوا، شخصیت و جایگاه حضرت مریمﷺ را در قرآن کریم و عهد جدید و الهیات مسیحی بررسی کنیم و نشان دهیم که توصیف حقیقی از این بانوی گرامی، در قرآن کریم صورت گرفته است. در ضمن، نقدگونه‌ای نیز به باورهای سنت کلیسایی دربارهٔ شخصیت و مقام حضرت مریمﷺ، ارائه خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: مریمﷺ، عیسیﷺ، مادر خدا، کلیسا، شایستهٔ پرستش.

مقدمه

مطالعه دربارهٔ شخصیت‌هایی که در ادیان ابراهیمی مورد توجه و احترام‌اند، ازجمله مسائلی است که می‌تواند به‌صورت مقایسه‌ای با مراجعه به متون اصلی و مورد اعتماد آن ادیان صورت بگیرد. در این‌گونه مطالعات، هدف اولیه دستیابی به تصویری است که از آن شخصیت‌ها در این متون نمایانده شده است؛ در گام دوم، کشف تشابهات و تمایزاتی است که دربارهٔ آن شخصیت‌ها در دو دین و متون آنها وجود دارد. تشابهات زمینه‌ای برای تفاهم و همدلی میان ادیان ابراهیمی است و تمایزات احتمالی می‌تواند بستری برای تحلیل و چرایی این تفاوت‌ها و دستیابی به زمینه‌ها و عواملی شود که این تمایزات را پدیده آورده‌اند. درنتیجه می‌توان با دستیابی به این عوامل درصدد رفع آن تمایزات یا بیان حقیقت مسئله دربارهٔ آن شد. در این پژوهش، بررسی شخصیت و جایگاه حضرت مریم﵇ به‌عنوان یکی از زنان برگزیدهٔ عالم از منظر دو دین ابراهیمی، یعنی اسلام و مسیحیت، با تکیه بر قرآن و عهد جدید، محور پژوهش قرار گرفته است. حاصل این پژوهش نشان از جایگاه بلند آن حضرت در هر دو دین دارد؛ با این تفاوت که این مقام بلند، از منظر اسلام فراز و فرودی نداشته، اما در مسیحیت، رفعت مقام آن حضرت در طول تاریخ تحقق پیدا کرده است؛ به این معنا که در ابتدا گویا شأن آن حضرت در مادری برای حضرت عیسی﵇ خلاصه می‌شد، اما در طول تاریخ به‌مرور در کلیسای مسیحی جایگاه رفیعی برای آن حضرت قائل شدند. این تحول می‌تواند ناشی از برخورد تفریط‌گونه با شخصیت آن حضرت در سدهٔ نخست میلادی باشد که به‌مرور از آن فاصله گرفتند و به‌سوی یک تلقی افراطی از شخصیت و جایگاه او تا رساندن وی به مقام شایستهٔ پرستش در سده‌های بعدی گام برداشته‌اند.

۱. شخصیت و جایگاه حضرت مریم﵇ در عهد جدید

با مراجعه به عهد جدید مشاهده می‌کنیم که حضور حضرت مریم﵇ در آن بسیار کم‌رنگ است و مانند مردم عادی با او برخورد می‌شود؛ تنها در مواردی بسیار نادر، با تکریم خاصی از او یاد شده؛ از باب نمونه، در انجیل لوقا چنین آمده است: «پس فرشته بر او داخل شد و گفت: سلام بر تو ای نعمت‌رسیده! خدا با توست و تو در میان زنان، مبارک هستی» (لوقا ۱: ۲۸). در مقابل این نمونه، که بر تکریم حضرت مریم﵇ دلالت داشت، مواردی را مشاهده می‌کنیم که نه‌تنها بر تکریم ایشان دلالت ندارند، بلکه به‌نوعی تنقیص او شمرده می‌شوند؛ مانند:

الف) براساس بیان اناجیل، حضرت عیسی﵇ در مواردی برخورد تندی با مادرش داشته است؛ برای نمونه، به حضرت عیسی﵇ گفته شد که مادر و برادرانت در بیرون خانه در طلب گفت‌وگو با تو ایستاده‌اند. حضرت بر طبق نقل اناجیل فرمود: «کیست مادر من؟ و برادرانم کیان‌اند؟ و دست خود را به‌سوی شاگردان خود دراز کرد و گفت: اینان مادر و برادران من هستند؛ زیرا هرکه ارادهٔ پدرم را که در آسمان است به‌جا آورد، همان برادر و مادر من است» (متی ۱۲: ۴۷ـ۵۰؛ مرقس ۳: ۳۱ـ۳۴؛ لوقا ۸: ۱۹ـ۲۱)؛

ب) همچنین در انجیل یوحنا آمده است که حضرت مریم﵇ از حضرت عیسی﵇ در مجلس عروسی چیزی

طلب کرد و آن حضرت در جواب مادرش گفت: «ای زن! مرا با تو چه کار است» (یوحنا ۲: ۳ـ۴). چنین برخوردی با مادر، در شأن یک انسان معمولی نیست، چه رسد به حضرت عیسیﷺ.

شاید استثنایی بودن شخصیت حضرت مریمﷺ در عهد جدید به‌دلیل بارداری و مادری وی درخصوص حضرت عیسی مسیحﷺ بوده است، اما در طول تاریخ مسیحیت، به‌مرورِ زمان جایگاه حضرت مریمﷺ تغییر می‌کند و توجه بیشتری به آن حضرت پدیدار می‌شود؛ تاجایی‌که می‌توان گرایش به پرستش آن حضرت را به‌عنوان مادر عیسی مسیحﷺ (که مسیحیت او را دارای الوهیت می‌داند) مشاهده کرد. البته تعداد افرادی که چنین گرایشی داشته‌اند، کم است، اما به‌هرحال واقعیتی است که در میان مسیحیان وجود داشته و دارد. در تاریخ مسیحیت، شخصیت حضرت مریمﷺ بحث‌هایی را برانگیخته و سبب اختلاف‌نظرهایی شده است. تا قرن چهارم میلادی بحث دربارهٔ حضرت مریمﷺ بسیار کم‌فروغ است، اما از این قرن به بعد، احترام به آن حضرت به‌مرور زمان در حد بالاترین احترامی است که کلیسا برای یک مخلوق خدا قائل شده است. امروزه مریم‌شناسی در سنت کاتولیک برای تثبیت نقش حضرت مریمﷺ به‌عنوان نماد کلیسا به بالاترین رشد و توسعهٔ خود رسیده است (برانتل، ۱۳۸۱، ص ۸۸ــ۸۹). نخستین نظریه دربارهٔ حضرت مریمﷺ پس از عهد جدید این است که او «حوای ثانی و نوین» است و با مسیح به‌عنوان «آدم ثانی و نوین» متحد است. حواﷺ فریب شیطان را خورد و آدمﷺ نیز به‌وسیلهٔ حواﷺ فریب داده شد؛ هر دو گناهکار شدند و سقوط کردند، اما آدم ثانی، یعنی حضرت عیسیﷺ (که عهد جدید او را با این لقب توصیف می‌کند)، به‌همراه مادرش که حوای ثانی است، سبب نجات‌اند. ازهمین‌رو برخی نویسندگان مسیحی در تفسیر این جمله از عهد عتیق که می‌گوید: «خدا میان ذریت زن و مار (شیطان) دشمنی قرار داد» (تکوین، ۳:۱۵)، می‌گویند: مراد از «ذریت زن» همان منجی، یعنی حضرت عیسیﷺ و مراد از زن، حضرت مریمﷺ است (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۰۵؛ برانتل، ۱۳۸۱، ص ۸۹). بنابراین می‌گویند: مرگ به‌واسطهٔ حواﷺ وارد جهان شد و حیات به‌واسطهٔ مریمﷺ (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۷).

۲. دیدگاه کلیسا دربارهٔ حضرت مریمﷺ

کلیسا چهار حقیقت را دربارهٔ حضرت مریمﷺ به‌طور رسمی اعلام کرده است که عبارت‌اند از:

الف) مادری خدا: این اندیشه که مریمﷺ حقیقتاً مادر خداست، در میان مسیحیان، به‌ویژه کاتولیک‌ها، مورد توجه است (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸)؛ هرچند خود او دارای خلقت انسانی است (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۰۶ـ۴۰۵). *سیریل اسکندرانی* می‌گوید: ازآنجاکه باکرهٔ مقدس به‌لحاظ جسمانی خدا را پدید آورد، یعنی ذات او را همراه با یک جسم ساخت، به همین دلیل می‌توانیم او را مادر خدا بنامیم؛ نه اینکه ذات کلمه، وجود خود را از این جسم آغاز کرده باشد (برانتل، ۱۳۸۱، ص ۹۲). *نسطوریوس* با ایدهٔ «مادر خدا» دربارهٔ حضرت مریمﷺ مخالفت کرد و آن حضرت را انسانی معرفی کرد که یک انسان را متولد کرده است. کلیسای کاتولیک دیدگاه او را محکوم کرد و اعتقاد او را موجب لعن و نفرین دانست (آشتیانی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۷). شورای اَفَسُس در سال ۴۳۱م به

مریمؑ لقب «مادر خدا» داد و کلیسای کاتولیک مریمؑ را واقعاً مادر خدا می‌داند (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸). برخلاف کلیسای کاتولیک که برای حضرت مریمؑ آموزه‌ای به‌نام «آبستنی بدون آلودگی» دارد، کلیسای ارتدکس به چنین آموزه‌ای معتقد نیست (رسول‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۴۲)؛

ب) بکارت مریم: در پایان قرن چهارم، باکره بودن مادر خدا به‌مثابهٔ حقیقتی مکشوف از طرف مسیحیان پذیرفته شده بود و کلیسا این دیدگاه را در سال ۴۶۹م رسماً اعلام کرد (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹؛ محمدیان و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۰۶). شورای دوم قسطنطنیه در سال ۵۵۳م عنوان «همیشه‌باکره» را از اوصاف حضرت مریمؑ شمرد. امروزه نیز کلیسای کاتولیک در اعتقادنامهٔ رسمی خود، بکارت همیشگی حضرت مریمؑ را اعتقاد رسمی کلیسا اعلام کرده است (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹). پروتستان‌ها با توجه به برخی از فقرات عهد جدید، که در آنها به‌صراحت از برادران و خواهران حضرت عیسیؑ با نام‌هایی مانند *یعقوب* و *یوسف* یاد می‌کند، با اندیشهٔ بکارت همیشگی مریمؑ مخالفت کردند؛ هرچند کاتولیک‌ها این عبارات را توجیه می‌کنند و می‌گویند: اینها برادران و خواهران واقعی حضرت عیسیؑ نبوده‌اند، بلکه فرزندان زن دیگری به‌نام مریمؑ بوده‌اند که از بستگان و فامیل مادر عیسیؑ بوده است (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹). ارتدکس‌ها نیز همچون کاتولیک‌ها به بکارت دائمی حضرت مریمؑ بعد از تولد حضرت عیسیؑ اعتقاد دارند (Reumann, "Mary", the encyclopedia of Religion, Vol. 9, p 249-252)؛

پ) لقاح مطهر یا معصومیت از گناه اولیه: از قرن نهم به بعد، برخی مسیحیان مدعی شدند که حضرت مریمؑ قبل از تولد دارای عصمت و طهارت بوده و او ـ دست‌کم پیش از تولد مسیح ـ تطهیر و دارای عصمت و قداست شده است. این، دیدگاه کلیسای شرقی نیز هست (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۷). سرانجام پس از بحث‌های متعدد، *پاپ پیوس نهم* در هشتم دسامبر ۱۸۵۴م رسماً اعلام کرد که مریم عذرای متبارک، در اولین لحظهٔ لقاحش، به‌وسیلهٔ فیض خداوند از گناه مصون نگاه داشته شد و خدا این عنایت را با توجه به شایستگی حضرت عیسیؑ انجام داده است (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۶) و سرانجام، این تعلیم، یک اصل ایمانی شد (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۰۷)؛

ت) عروج معصومانه: اندیشهٔ عصمت مریمؑ هنگام مرگ و عروج به‌سوی خداوند با حالت معصومانه، در قرن پنجم میلادی شکل گرفت. یکی از نویسندگان در این زمینه می‌گوید:

> **در کتابی با عنوان «مراجعت مریم مقدس» که به پاپ هیلاریوس در قرن پنجم میلادی منسوب است، آمده است که ۲۲ سال پس از مرگ حضرت عیسیؑ، فرشته‌ای بر مریمؑ ظاهر شد و خبر داد که پسر تو در آسمان با تخت سلطنت و فرشتگان دربارش به انتظار توست و مریمؑ میل می‌کند قبل از صعود به آسمان، همهٔ رسولان را ملاقات کند. به‌قدرت حضرت عیسیؑ، همهٔ رسولان سوار بر ابرها شده و به حضور مریمؑ می‌رسند. بالاخره مریمؑ نیز چون پسرش به آسمان برده می‌شود و رسولان مجدداً سوار بر ابرها شده، به مکان‌های خود بازمی‌گردند (آشتیانی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۶).**

قرن‌ها این بحث ادامه داشت تا اینکه کلیسای غرب نیز (با فاصلهٔ چند قرن)، در قرن بیستم توسط *پاپ پیوس دوازدهم*، معراج معصومانهٔ مریم﵄ را یک اصل ایمانی مقدس اعلام کرد (آشتیانی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۶). کاتولیک‌ها معتقدند که مریم﵄ صعود جسمانی و روحانی به آسمان داشته و خداوند او را ملکهٔ عالم هستی قرار داده است (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۹۳). این اعتقاد، در حکم *پاپ پیوس دوازدهم* در سال ۱۹۵۰م آمده است (رسول‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۴۲)، اما ارتدکس‌ها صعود جسمانی حضرت مریم﵄ را نمی‌پذیرند (همان، ص ۲۲۵).

درنهایت، کلیسای کاتولیک حضرت مریم﵄ را با اوصافی مانند آزاد از گناه شخصی، واسطهٔ فیض خداوند و مادر روحانی انسان‌ها مورد تمجید قرار داد (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۰۸ـ۴۰۹).

۳. پرستش حضرت مریم﵄

شواهدی در تاریخ مسیحیت وجود دارد که نشان می‌دهد گرایش به پرستش حضرت مریم﵄ در میان مسیحیان وجود داشته است. در ادامه به برخی از این شواهد اشاره می‌کنیم:

الف) مرحوم علامه *طباطبائی* در تفسیر شریف ***المیزان*** از برخی افراد، کتاب‌ها و مقالات نام می‌برد که در آنها به پرستش و عبادت حضرت مریم﵄ تصریح کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۴۲)؛

ب) دانشمندی به‌نام *تریمینگام* در کتاب ***مسیحیت در جزیرةالعرب پیش از اسلام*** به یک نوع تثلیث سامی اشاره می‌کند که در آن روزگار به الله (خدای متعال)، لات (بزرگ مادر) و بعل (خداوند، رب) معتقد بودند. برخی از مسیحیان آن سرزمین، تثلیث مسیحی را با این تثلیث منطبق کردند و به پرستش مریم﵄ روی آوردند (میشل، ۱۳۷۷، ترجمهٔ توفیقی، ص ۷۸ـ۷۹)؛

پ) یکی از نویسندگان مسیحی می‌گوید: با ورود بت‌پرستان به کلیسا در قرن چهارم میلادی، بسیاری از رسوم و عادات آنها وارد کلیسا شد و مسیحیتِ خود را با آن رسوم منطبق کردند؛ ازجمله به عبادت حضرت مریم﵄ باکره پرداختند. به‌مرور این کار رنگ مسیحی به خود گرفت. گرچه واعظان مسیحی برضد آن تبلیغ کردند، اما این گرایش آن‌قدر قوی بود که غلبهٔ واعظان بر آن مشکل شد (میلر، ۱۹۸۱م، ص ۲۵۸)؛

ت) یکی از نویسندگان مسیحی نیز اذعان کرده است که کسانی مریم﵄ را در صدر اسلام در عربستان پرستش می‌کردند؛ گرچه آنها را گمراه دانسته است (وات، ۱۳۷۳، ص ۳۸ـ۳۹)؛

ث) یکی از بزرگان مسیحیت به‌نام *انستاس الکرملی* مقاله‌ای با عنوان «قِدَمُ التعبد للعذرا» در مجلهٔ ***المشرق*** چاپ کرده و در آن بر قدمت پرستش مریم﵄ در میان مسیحیان اقرار کرده است (الکرملی، ص ۶۳۳ـ۶۴۰)؛

ج) دکتر *زرین‌کوب* نیز با شواهد و مدارکی بیان می‌کند که پرستش حضرت مریم﵄ در کلیسای روم، از قرن دوازدهم صورت مشخصی یافت، اما سابقهٔ آن به قرن ششم و به کلیسای بیزانس می‌رسد که مبادی آن را تمهید کردند و آن را لازمهٔ راست‌کیشی شمردند (زرین‌کوب، ۱۳۷۵، ص ۲۱۱)؛

چ) در اعتقادنامهٔ رسمی کلیسای کاتولیک نیز با عباراتی بسیار احتیاط‌آمیز تلاش شده است که از این پرستش با

عنوان تکریم مریمؑ یاد شود: «سرسپردگی کلیسا به باکرهٔ مقدس، جزء عبادت مسیحی است (لوقا ۱: ۴۸). کلیسا به‌حق باکرهٔ مقدس را با تعبدی خاص تکریم می‌کند. از زمان‌های قدیم، باکرهٔ مقدس با لقب "مادر خدا" تکریم شده است و مؤمنان در همهٔ خطرها و نیازهایشان به او پناه می‌برند» (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۹۴)؛

ح) با وجود این شواهد، به‌خوبی بیان قرآن کریم را دربارهٔ پرستش مریمؑ می‌توان فهمید؛ آنجا که خدای متعال خطاب به حضرت عیسیؑ می‌فرماید: «واذ قال الله یعیسَی بن مریَم ءَأنْتَ قُلْتَ لِلنّاسِ اتخذونی وأُمِّیَ إلَهَیْنِ مِنْ دُونِ اللهِ» (مائده: ۱۱۶). با دقت در آیهٔ شریفه متوجه می‌شویم که سخن از پرستش در میان است، نه اعتقاد و اعلام الوهیت حضرت عیسیؑ و حضرت مریمؑ؛ زیرا در آیه بحث «اتخاذ» مطرح شده که کاری است عملی، یعنی پرستش حضرت عیسیؑ و مادرش؛ هرچند عمل انسان با باور و اعتقادی همراه می‌شود. پس مراد این است که ای عیسی! آیا تو به مردم گفتی که تو و مادرت را شریک خداوند در الوهیت قرار دهند؟ (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۶، تفسیر آیهٔ ۱۱۶ مائده).

در پایان این بحث شاید بتوان گفت: پرستش مریمؑ و الوهیت او نتیجهٔ این تفکر است که اگر انسان (عیسی) می‌تواند خدا باشد و پدر او نیز خداست، چرا مادر او به‌عنوان کسی که خدای پسر (عیسی) به‌واسطهٔ ارادهٔ خدای پدر در رحم او قرار گرفته، نتواند و نباید مورد احترام بسیار خاص و پرستش قرار گیرد؟ البته ممکن است کسی به این تحلیل اشاره نکرده باشد، اما می‌توان آن را زمینهٔ روانی این نظریه در فضای فکری دنیای مسیحیت، که به الوهیت یک انسان قائل است، در نظر گرفت. البته اکثریت مسیحیان پرستش حضرت مریمؑ را در میان برخی از همکیشان خودشان به‌معنای الوهیت آن حضرت نمی‌دانند تا درنتیجه تثلیث مسیحی تبدیل به تربیع (چهارگانه‌پرستی) شود، اما به‌هرحال «پرستش» لازمهٔ الوهیت شخص مورد پرستش است و با خضوع و تواضع در برابر بزرگان دین بدون اعتقاد به الوهیت آنها تفاوت دارد.

۴. حضرت مریمؑ در قرآن

واژهٔ «مریم» به‌معنای زن عبادت‌کننده و خدمتگزار است. در قرآن کریم مجموعاً ۳۱ بار از حضرت مریمؑ به‌صورت صریح نام برده و در بیش از ده مورد، از آن حضرت یا با ضمیر یاد شده است یا گفتاری نقل شده که گویندهٔ آن مریمؑ است. با بررسی مجموع این آیات، جایگاه بلند حضرت مریمؑ نزد خداوند آشکار می‌شود. اکنون به بررسی اجمالی این آیات می‌پردازیم تا اولاً حقایقی که قرآن کریم دربارهٔ آن حضرت ارائه کرده است، روشن شود؛ ثانیاً برتری مقام و منزلت آن حضرت در قرآن کریم نسبت‌به جایگاه وی در عهد جدید آشکار گردد.

در برخی از آیات قرآن کریم (۱۹ آیه)، از مریمؑ به‌عنوان مادر حضرت عیسیؑ یاد شده؛ یعنی تعبیر «عیسی‌بن‌مریم» یا «المسیح‌بن‌مریم» به‌کار رفته است. در این آیات، گرچه توجه اصلی به حضرت عیسیؑ است، اما به‌هرحال از آن حضرت به‌عنوان پسر مریمؑ نام برده شده و این خود نشانی از تکریم مریمؑ در جایگاه مادر حضرت عیسیؑ به‌عنوان رسول بزرگ الهی است؛ مانند:

الف) «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِن بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (بقره: ۸۷)؛ ما به موسی کتاب دادیم و پس از او پی‌درپی پیامبران فرستادیم و به عیسی پسر مریم نیز معجزات آشکار دادیم و او را با روح‌القدس مدد فرمودیم؛

ب) «وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (بقره: ۲۵۳)؛ ما به عیسی پسر مریم دلایلی روشن عطا کردیم و او را با روح‌القدس مدد فرمودیم؛

پ) «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُواْ فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلاَّ اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِيناً» (نساء: ۱۵۷)؛ و این سخنشان (یهودیان) که ما پیامبر خدا مسیح عیسی‌بن‌مریم را کشته‌ایم؛ حال آنکه او را نکشتند و نه به دار صلیب آویختند، بلکه چنین به‌نظرشان آمد و مسئله بر آنان مشتبه شد؛ و آنان که در این امر دچار اختلاف شدند، گرفتار شک و تردیدند و بدان علم ندارند و تنها حدس و گمان را دنبال می‌کنند و یقیناً او را نکشتند.

در آیات متعددی، ازجمله در این سه آیه، که از باب نمونه ارائه شد، از مریم﵄ به‌عنوان مادر عیسی﵇ نام برده شده و این مادر بودن او، با توجه به نوع بارداری و تولد فرزندش، ویژگی خاصی به آن حضرت داده است که از صرف مادر بودن برای پیامبر الهی ـ که در جای خود ویژگی ممتازی است ـ فراتر رفته؛ زیرا حضرت مریم﵄ در ضمن این بارداری، امتحان بزرگ الهی را از سر گذرانده است.

در گروه دیگری از آیات، ویژگی‌های ممتازی برای حضرت مریم﵄ بیان شده، که نشانهٔ شخصیت والای او، فارغ از مادر بودن برای پیامبر بزرگ الهی، یعنی حضرت عیسی﵇، است. در ادامه، این آیات را بررسی می‌کنیم.

۱ـ۴. مورد توجه الهی بودن حضرت مریم﵄ از هنگام ولادت

إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّراً فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنثَى وَاللهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالأُنثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنبَتَهَا نَبَاتاً حَسَناً... (آل‌عمران: ۳۵ـ۳۸)؛

روزی همسر عمران (مادر حضرت مریم﵄) گفت: «خدایا! من نذر کردم تا طفلی را که در شکم دارم، برای (خدمت کردن به) تو آزاد کنم؛ از من قبول کن که تویی که شنوای دانایی». پس چون فرزندش را بزاد، گفت: «پروردگارا! من دختر زاده‌ام ـ و خدا به آنچه او زاییده، داناتر بود ـ و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم و او و فرزندانش را از شیطان رانده‌شده به تو پناه می‌دهم». پس پروردگارش وی [مریم] را با حسن قبول، پذیرا شد و او را نیکو بار آورد.

براساس این سه آیه، اولاً خداوند مریم﵄ را که مادرش برای خدمت به معبد نظر کرده بود، پذیرفته است؛ زیرا ضمیر «ها» در «فَتَقَبَّلَهَا» به مریم﵄ برمی‌گردد، نه به نذر مادر مریم﵄؛ زیرا آیه نگفته است «فتقبَّل نَذرَها» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۷۱)؛ ثانیاً پذیرش مریم﵄ به‌صورت شایسته بوده است؛ چون تعبیر «قبول حسن» در آیه آمده است؛ ثالثاً تربیت مریم﵄، آن هم به‌صورت بسیار نیکو، توسط خداوند و زیر نظر عنایت الهی بوده است.

تعبیر به «أنبتها» ـ از مادۀ «إنبات» به‌معنای رویانیدن ـ دربارۀ پرورش مریمؑ، اشاره به جنبه‌های تکامل معنوی، روحانی و اخلاقی آن حضرت است. ضمناً این جمله به نکتۀ لطیفی اشاره دارد و آن اینکه کار خداوند، انبات و رویانیدن است؛ یعنی همان‌گونه‌که درون بذر گل‌ها و گیاهان استعدادهایی نهفته است که زیر نظر باغبان پرورش می‌یابد و آشکار می‌شود، در درون وجود آدمی و اعماق روح و فطرت او نیز همه‌گونه استعدادهای عالی نهفته شده است که اگر انسان خود را تحت تربیت مربیان الهی، که باغبان‌های باغستان جهان انسانیت‌اند، قرار دهد، به‌سرعت پرورش می‌یابد و آن استعدادهای خداداد آشکار می‌شود و انبات به‌معنای واقعی کلمه صورت می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۲۸).

۲ـ۴. سرپرستی حضرت مریمؑ توسط زکریای نبیؑ و دریافت روزی خاص از خداوند

...وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقاً قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (آل‌عمران: ۳۷)؛

و (خدای متعال) زکریا را سرپرست وی قرار داد. هر بار زکریا در محراب بر مریمؑ وارد می‌شد، نزد او [نوعی] خوراکی می‌یافت. سرانجام گفت: ای مریم! این روزی از کجا برای تو آمده است؟ او در پاسخ گفت: این از جانب خداست که خدا به هرکس بخواهد، بیشمار روزی می‌دهد.

براساس این آیۀ شریفه، علاوه بر اینکه حضرت مریمؑ تحت تکفل و مراقبت زکریای نبیؑ بوده، این تکفل به هدایت الهی بوده است؛ زیرا فعل «كَفَّلَهَا» متعدی از باب تفعیل است؛ یعنی کفالت مریمؑ به او واگذار شده و کسی او را کفیل مریمؑ قرار داده است. گویا او به‌عنوان خادم معبد در هیکل سلیمان حضور داشته و مشغول خدمت و عبادت بوده است؛ و نکتۀ دیگر اینکه رزق و روزی خاصی از سوی پروردگار عالم به او می‌رسیده است که سبب تعجب جناب زکریاؑ شده و ازهمین‌رو از مریمؑ دربارۀ آن رزق و روزی پرسش کرده است. واژۀ «رزق» نیز به‌صورت نکره آمده که تأییدی بر خاص بودن این روزی است و پرسش زکریاؑ می‌تواند نشانی از بهشتی بودن این رزق باشد؛ چنان‌که در برخی روایات اشاره شده که آن رزق از میوه‌های بهشتی بوده است. لذا این موضوع که منظور از «رزقاً» غذای بهشتی باشد، از قرائنی هم که در گوشه و کنار آیه هست، استفاده می‌شود؛ زیرا اولاً واژۀ «رزقاً» در قالب نکره، نشانۀ آن است که روزیِ خاص و ناشناسی برای زکریاؑ بوده است؛ ثانیاً پاسخ مریمؑ که «این از طرف خداست»، نشانۀ دیگری برای این مطلب است؛ ثالثاً قانع شدن جناب زکریاؑ از پاسخ مریمؑ که گفت: «این رزق از جانب خداست»، نشان این است که این رزق، معمولی نبود (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۷۵)؛ زیرا همۀ نعمت‌ها و رزق‌ها از جانب خدایند؛ رابعاً به‌هیجان آمدن زکریاؑ و تقاضای فرزندی از طرف پروردگار، که در آیۀ بعد به آن اشاره شده است، قرینۀ دیگری برای این معنا شمرده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۳۰)؛ یعنی دعای زکریاؑ بعد از پاسخ مریمؑ، که عرضه داشت: «پروردگارا! از درگاه خودت فرزندی به من عطا فرما»، دلالت دارد بر اینکه یافتن رزق نام‌برده در نزد مریمؑ را کرامتی الهی و خارق‌العاده تشخیص داده و درنتیجه

به‌طمع افتاده است که او هم از خدای تعالی بخواهد فرزندی طیب روزی‌اش کند (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۷۵). همچنین از تعبیر «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا» در آیه به‌دست می‌آید که این رسیدن رزق به حضرت مریمﷺ مکرر اتفاق می‌افتاده و منحصر به یک نوبت نبوده است و این خود نشان بزرگی و عظمت مقام حضرت مریمﷺ نزد خداوند متعال است. در آیات ۲۴ و ۲۵ سورهٔ مریم نیز به روزی دادن خداوند به مریمﷺ اشاره شده است. در هنگامی که او دچار درد زایمان شد و به کناری رفت، خداوند زیر پای او نهری روان کرد تا از آن بنوشد و درخت خرما را نیز بارور کرد تا مریمﷺ با تکان دادن شاخهٔ آن، رطب تازه بر او فروریزد.

۳ـ۴. پاک‌دامنی و عبودیت حضرت مریمﷺ

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ (تحریم: ۱۲)؛

و مریم، دختر عمران، همو که دامن خود را پاک نگاه داشت. ما در او از روح خود دمیدیم و او سخنان پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق می‌کرد و از فرمان‌برداران بود.

در این آیهٔ شریفه، خداوند متعال مریمﷺ را به‌عنوان دومین زن مؤمن مثال می‌زند؛ زیرا واژهٔ «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ» عطف به «إمرأت فرعون» در آیهٔ پیشین است. در این آیه، خداوند از مریمﷺ برخلاف زن *فرعون*، نام می‌برد و اصولاً تنها زنی که نام او در قرآن بیش از سی بار تکرار شده، مریمﷺ است و از هیچ زن دیگری نام برده نشده است (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۳۴۵). از این آیهٔ شریفه، عفت و پاک‌دامنی به‌عنوان یک ویژگی مهم برای حضرت مریمﷺ استفاده می‌شود و خداوند او را از تهمت‌های ناروایی که برخی یهودیان آلوده و گناهکار به او می‌زدند (چنان‌که در آیهٔ ۱۵۶ سورهٔ نساء به آن اشاره شده است: «وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَاناً عَظِيماً») منزه می‌داند؛ ثانیاً او شایستگی می‌یابد که به‌ارادهٔ خداوند، در او از روح الهی دمیده شود و او به کلمهٔ الهی، یعنی حضرت عیسیﷺ، حامله شود؛ ویژگی سوم حضرت مریمﷺ در این آیه، تصدیق سخنان و کتب نازل‌شده از سوی خداوند است. احتمالاً مراد از «کلمات الهی» وحی‌هایی است که مکتوب نشده‌اند و مراد از «کتب الهی» وحی‌هایی است که مکتوب شده و به‌صورت کتاب درآمده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲۴، ص ۳۰۵) و مریمﷺ هر دو را تصدیق کرده است؛ نهایتاً گواهی خداوند بر اینکه مریمﷺ از فرمان‌برداران بوده است، تأیید مقام عبودیت و بندگی آن حضرت است و این مقامی است بس بلند که خداوند عبودیت بنده‌ای را تأیید فرماید.

۴ـ۴. برگزیده بودن حضرت مریمﷺ و تطهیر او از سوی خداوند

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل‌عمران: ۴۲ـ۴۳)؛

و فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را برگزیده و پاک کرده و بر زنان جهان (روزگار خود) برتری داده است. ای مریم! از پروردگار خود اطاعت کن و برای او سجده کن و همراه با رکوع‌کنندگان رکوع کن.

در این دو آیه نیز بخش دیگری از فضایل حضرت مریم﵄ بیان شده است: نخستین فضیلت اینکه، مخاطب ملائکه قرار گرفته و با آنان سخن گفته است؛ دومین فضیلت این است که به او گفته می‌شود: خداوند تو را برگزیده است و تو مصطفای الهی هستی؛ سومین فضیلت اینکه خداوند تو را پاک کرده است؛ یعنی تو مطهَّره‌ای؛ چهارمین فضیلت، که شاید در اثر همان فضایل قبلی باشد، این است که خداوند تو را بر زنان دیگر عالم برتری بخشیده است. آیهٔ بعدی می‌تواند بیانگر نتایج این فضایل و عنایات خداوند به مریم﵄ باشد که از او خواسته می‌شود مطیع خداوند باشد و برای او سجده و رکوع کند؛ یعنی درخواست عبودیت کامل در برابر خداوند.

۵ـ۴. نزول ملائکه بر مریم﵄ و بشارت به تولد حضرت عیسی﵇ از او

در آیات متعددی مسئلهٔ بشارت به تولد عیسی﵇ ذکر شده است که به این آیات اشاره می‌کنیم:

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (آل‌عمران: ۴۵)؛

فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را به کلمه‌ای از جانب خویش مژده می‌دهد که نامش عیسی مسیح پسر مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند است و از مقربان (درگاه الهی) است.

براساس این آیه، مریم﵄ مخاطب ملائکه است و به او گفته می‌شود که خداوند تو را به کلمهٔ خود، یعنی مسیح، بشارت می‌دهد. در این آیه بیان شده است که فرشتگان الهی بر او نازل می‌شوند و با او سخن می‌گویند و این مقام فوق‌العاده بلندی است که تنها به انسان‌های خاصی مانند پیامبران و امامان معصوم و حضرت زهرا﵂ اختصاص دارد.

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَاناً شَرْقِيًّا، فَاتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَاباً فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَراً سَوِيًّا، قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا، قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَاماً زَكِيًّا، قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا، قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَ لِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْراً مَّقْضِيًّا (مریم: ۱۶ـ۲۱)؛

و در این کتاب از مریم یاد کن؛ آن‌گاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت. پس روح خود را به‌سوی او فرستادیم تا به (شکل) بشری خوش‌اندام بر او نمایان شد. (مریم) به او گفت: اگر پرهیزگاری (باکی ندارم؛ وگرنه) من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم. فرشته گفت: من فقط فرستادهٔ پروردگار توام، برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم، مریم گفت: چگونه مرا پسری باشد، با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام. فرشته گفت: [فرمان] چنین است. پروردگار تو گفته که آن کار بر من آسان است و ما می‌خواهیم آن پسر را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم و [این] دستوری قطعی بود.

در این آیه نیز حضرت مریم﵄ مخاطب روحی از سوی پروردگار است که آیه از او به «روحنا» تعبیر می‌کند؛ یعنی خداوند از آن فرشته به «روح خود» تعبیر می‌کند. این روح مجرد، نزد مریم﵄ به‌شکل انسان خوش‌اندام و زیبایی متمثل می‌شود و به او وعدهٔ الهی را گوشزد می‌کند که خداوند به‌صورت قطعی اراده کرده است به او پسری

عطا کند که آن پسر نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب پروردگار باشد. نکتهٔ مهمی که از این چند آیه استفاده می‌شود، این است که خدای متعال مریم﵄ را برای امتحان دشواری برگزیده است؛ زیرا در ابتدا وعده‌ای به مریم﵄ داده نشد که نگران نباش؛ زیرا این فرزند از تو رفع تهمت خواهد کرد. بنابراین بارداری مریم﵄ و زایمان او حقیقتاً امتحان بسیار سنگینی بود و طبیعتاً در نگاه اول، مردم او را بدکاره تلقی کردند و مورد تهمت و شماتت قرار دادند («وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَاناً عَظِيماً»؛ نساء: ۱۵۶)، اما به‌اذن و ارادهٔ الهی، عیسی﵇ به‌صورت معجزه به‌سخن می‌آید و در گهواره از مادر خود رفع تهمت می‌کند و آرامش را به مادر برمی‌گرداند. نکتهٔ عجیب این است که در داستان مریم﵄ در اناجیل اربعه، اصلاً به معجزهٔ سخن گفتن حضرت عیسی﵇ در گهواره و رفع تهمت از مادرش اشاره نشده است و معلوم نیست با فضایی که در اناجیل اربعه ترسیم شده، حضرت مریم﵄ چگونه از این وضعیت رهایی یافته است.

۴ـ۶. صدیقه بودن مریم﵄

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلاَنِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (مائده: ۷۵)؛

مسیح پسر مریم، رسولی بیش نبود که پیش از او نیز پیامبرانی بوده‌اند و مادرش نیز زنی بسیار راست‌گفتار بود. آنها نیز مانند دیگران غذا می‌خوردند. ببین چگونه آیات خود را برایشان روشن می‌سازیم و آن‌گاه ببین که تا کی از حق روی برمی‌تابند.

این آیهٔ شریفه بر صدیقه بودن مریم﵄ گواهی می‌دهد و طبق بیانات قرآن، این یکی از ویژگی‌های پیامبران و اولیای الهی است.

۴ـ۷. نشانه و آیت الهی بودن مریم﵄

وجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (مؤمنون: ۵۰)؛

ما پسر مریم (یعنی عیسی) و مادرش را نشانه‌ای ساختیم و آن دو را در سرزمین بلندی جای دادیم که آرامشی داشت و چشمه‌ساری.

براساس این آیهٔ شریفه، حضرت عیسی﵇ به‌عنوان پیامبر بزرگ الهی در کنار مادرش ازجملهٔ آیات الهی‌اند؛ یعنی نشانه‌ای هستند که بر ربوبیت الهی (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۳۵) و بر قدرت، حکمت و عظمت خداوند دلالت دارند؛ چون کار آیت و نشانه این است که مانند آینه‌ای غیر خود را نشان می‌دهد و از وجود چیز دیگری حکایت دارد. از این جهت، نشانه و آیت خدا بودن حضرت مریم﵄ یک فضیلت بزرگ برای اوست. تعبیر آیه به «ابن‌مریم» به‌جای «عیسی»، برای توجه دادن به این حقیقت است که حضرت عیسی﵇ به‌فرمان پروردگار تنها از مادر و بدون دخالت پدری متولد شد و این تولد، خود از آیات بزرگ قدرت پروردگار بود؛ و ازآنجاکه این تولد استثنایی از یک‌سو با عیسی﵇ و از سوی‌دیگر با مادرش مریم﵄ رابطه دارد، هر دو را به‌عنوان یک آیه و نشانه

می‌شمرد؛ چراکه این دو (تولد فرزندی بدون دخالت پدر و همچنین باردار شدن مادری بدون تماس با مـرد)، درواقـع یک حقیقت بودند با دو نسبت متفاوت (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۲۵۱).

۸ـ۴. امتحان دشوار مریمﷺ توسط خداوند

فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ بِهِ مَكَاناً قَصِيًّا؛ فَأَجَاءهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَـذَا وَكُنـتُ نَسْـياً مَّنسِـيًّا؛ فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلاَّ تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا؛ وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَباً جَنِيًّـا؛ فَكُلِـي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْناً فَاما تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَداً فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْماً فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنسِيًّا؛ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَـا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئاً فَرِيًّا، يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّـكِ بَغِيًّـا؛ فَأَشَـارَتْ إِلَيْـهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا؛ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا؛ وَجَعَلَنِـي مُبَارَكـاً أَيْـنَ مَـا كُنـتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلاَةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّاراً شَقِيًّا؛ وَالسَّلاَمُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِـدتُّ وَيَـوْمَ أَمُـوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (مریم: ۲۲ـ۳۳)؛

پس [مریم] به او [عیسی] آبستن شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست؛ تـا درد زایمـان او را بـه‌سـوی تنـهٔ درخت خرمایی کشانید. گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم و یک‌سر فرامـوش‌شـده بـودم!» پـس، از زیـر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد: «غم مدار؛ پروردگارت زیر [پای] تو چشمهٔ آبی پدیـد آورده اسـت؛ و تنـهٔ درخـت خرما را به‌طرف خود [بگیر و] بتکان؛ بر تو خرمای تازه می‌ریزد؛ و بخور و بنوش و دیده روشن دار. پس اگر کسـی از آدمیان را دیدی، بگوی من برای خدای رحمان روزه نذر کرده‌ام و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخـواهم گفـت». پس [مریم] درحالی‌که او را در آغوش گرفته بود، به‌نزد قـومش آورد. گفتنـد: «ای مـریم! بـه‌راسـتی کـار بسـیار ناپسندی مرتکب شده‌ای! ای خواهر هارون! پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیـز] بـدکاره نبـود!» مـریم بـه‌سـوی [عیسی] اشاره کرد. گفتند: «چگونه با کسی که در گهواره [و] کودک است، سخن بگـوییم؟» کـودک گفـت: «مـنم بندهٔ خدا. به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است؛ و هرجا که باشم، مرا بابرکت ساخته و تا زنده‌ام بـه نمـاز و زکات سفارش کرده است؛ و مرا نسبت‌به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است؛ و درود بـر مـن، روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم».

آنچه از مجموع این دوازده آیه به‌دست می‌آید، فضیلت سربلندی حضرت مریمﷺ از امتحان الهی اسـت؛ چراکـه ابتلای او به این امتحان، بسیار سخت و دشوار بوده است؛ زیرا ـ چنان‌که در این آیات آمده است ـ مـریمﷺ بـه‌عنوان دختری که معتکف و خادم معبد بوده، دختری بدنام و ناپاک نبـود و لـذا توقـع فرزنـدآوری از او بـدون ازدواج، بسـیار شرم‌آور بود. از سوی‌دیگر، هنگامی که فرشتهٔ خداوند به او وعدهٔ تولد مسیح را می‌دهد و مریمﷺ نگران این بـارداری می‌شود، براساس آنچه در آیات آمده، از سوی فرشته به او وعدهٔ دفاع کودک از مادرش داده نشده است تا گفته شـود که خیال مریمﷺ از تهمت مردم راحت بوده؛ چراکه سخن گفـتن کـودک، پـس از تهمـت زدن یهودیـان روی داده است. البته این احتمال وجود دارد که چون این بارداری به ارادهٔ الهی بوده و به‌سبب ایمـانی کـه مـریمﷺ بـه خـدای متعال داشته است، پذیرش این امتحان بر او آسان شده و خیال او از اینکه خدای متعـال از او حمایـت خواهـد کـرد، آسوده بوده است؛ هرچند هیچ تعهدی به مریمﷺ داده نشده بود که در این آزمون الهی از سوی مـردم بـه او آسـیبی نخواهد رسید.

نتیجه‌گیری

از بررسی مجموعهٔ بیانات عهد جدید و کلیسای مسیحی از یک‌سو و دیدگاه قرآن کریم از سوی‌دیگر، ویژگی‌های ممتازی برای حضرت مریمؑ بر ما روشن می‌شود. آنچه در این بررسی مقایسه‌ای آشکار می‌گردد، ویژگی ممتاز آن حضرت از بدو تولد تا پایان زندگی است؛ زیرا خداوند مریمؑ را به‌عنوان دختری شایسته، که مورد نذر مادرش بود، می‌پذیرد و او تحت تدبیر الهی تربیت می‌شود و به مقام شایسته‌ای دست می‌یابد که مادری برای حضرت عیسیؑ یکی از فضایل این بانوی ممتاز است، اما در عهد جدید تمرکز بر فضیلت مادری آن حضرت نسبت‌به حضرت عیسیؑ است و گاهی برخوردهای نامناسبی نیز با وی در عهد جدید گزارش شده است، لکن در طول تاریخ مسیحیت، به‌مرور مقام آن بانوی گرامی رفعت می‌یابد و مسیحیان تا حد پرستش او پیش می‌روند. حاصل این مقایسه، علاوه بر کشف مشابهاتی دربارهٔ شخصیت حضرت مریمؑ در دو دین ابراهیمی، بیانگر این حقیقت است که نگاه قرآن به آن حضرت در مقایسه با عهد جدید و جهان مسیحیت، واقع‌بینانه‌تر و مبتنی بر حقایقی است که خدای متعال بر آن صحه گذاشته است و از مواجههٔ تفریطی و افراطی به آن حضرت و شخصیت او در طول زمان، خبری نیست.

منابع

عهد جدید.

آشتیانی، جلال‌الدین، ۱۳۶۸، ***تحقیقی در دین مسیح***، تهران، نگارش.

برانتل، جرج، ۱۳۸۱، ***آیین کاتولیک***، ترجمهٔ حسن قنبری، قم، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.

رسول‌زاده، عباس، ۱۳۹۸، ***شناخت کلیسای ارتدکس***، قم و تهران، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀ و سمت.

زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۵، ***در قلمرو وجدان***، تهران، سروش.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، جامعه مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.

الکرملی، انستاس، «قدم التعبد للعذرا»، ***المشرق***، بیروت، سنه الخامسه، الرقم ۱۴.

محمدیان، بهرام و همکاران، ۱۳۸۱، ***دایرةالمعارف کتاب مقدس***، تهران، سرخدار.

مفتاح، احمدرضا و همکاران، ۱۳۹۳، ***تعالیم کلیسای کاتولیک***، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۳، ***تفسیر نمونه***، قم، مدرسهٔ امام امیرالمؤمنین﵇.

میشل، توماس، ۱۳۷۷، ***کلام مسیحی***، ترجمهٔ حسین توفیقی، قم، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.

میلر، ۱۹۸۱، ***تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران***، ترجمهٔ علی نخستین، بی‌جا، حیات ابدی.

وات، مونتگمری، ۱۳۷۳، ***برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، تفاهمات و سوءتفاهمات***، ترجمهٔ محمدحسین آریا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

Reumann, 1987, "Mary", In: ***the Encyclopedia of Religion***, V. 9, Macmillan.